

یکشنبه 2 فروردین 24 ربیع الاول 22 مارس

غزوه دومة الجندل در سال پنجم هجری قمری

در "دومة الجندل" که منطقه ای میان سرزمین حجاز، شام و عراق واقع است، گروهی از مشرکان تجمع کرده و بازرگانان مسلمان و غیرمسلمان را غارت و آزار و اذیت می کردند و علاوه بر آن، خطر بالقوه ای برای حکومت اسلامی به حساب آمده و آن را در معرض تهدید جدی قرار می دادند. پیامبر(ص) از توطئه آنان باخبر شد و برای برای خنثی کردن نقشه های تهاجمی آنان و کوتاه کردن دست ستمگران و مردم آزاران و هم چنین برای کوتاه کردن سیطره عوامل روم در منطقه عربستان، تصمیم به حرکت جهادی گرفت. آن حضرت، پنج روز مانده به پایان ماه ربیع الاول سال پنجم قمری، به همراه هزار رزمنده مسلمان از مدینه خارج شد و به سوی دومة الجندل حرکت نمود و "سباع بن عرفطه غفاری" را جانشین خود در مدینه نمود. آن حضرت دستور داد که شبها، راه پیمایی نموده و روزها پنهان بمانند، تا دشمن از حرکت آنان باخبر نگردد. پیامبر(ص) در این حرکت جهادی از راهنمایی مردی از طایفه "بنی غذره" که در کار خود بسیار زبردست و توانا بود، بهره جست. پس از چندین شب راه پیمایی، به نزدیکی دومة الجندل رسیدند و در آغاز به گله های شتر و گوسفند آنان برخورد کرده و آنها را به غنیمت گرفتند. از اهالی آن منطقه، هرکسی سپاه اسلام را می دید می گریخت و خبر هجوم مسلمانان را به اهالی دومة الجندل می داد. ساکنان این محل، با شنیدن هجوم مسلمانان، یکباره از شهر بیرون رفته و در اطراف و اکناف آن پراکنده شدند. هنگامی که پیامبر(ص) و مسلمانان مبارز وارد دومة الجندل شدند، آن را خالی از سکنه یافتند. پیامبر(ص) چند روز در آن جا ماند و دسته هایی از رزمندگان را به اطراف فرستاد تا به دشمنان دسترسی پیدا کنند. ولی سپاه اسلام، به هیچ نیرویی از دشمن دست نیافت، مگر مردی از آنان را که باز مانده بود. از وی پرسیدند: اهالی دومة الجندل کجا رفتند؟ پاسخ داد: آنان با شنیدن هجوم شما به این مکان، به طور گروهی از اینجا گریختند تا از آسیب های شما در امان باشند.

پیامبر(ص) به این مرد بازمانده، دین اسلام را عرضه کرد و او مسلمان شد. بدین ترتیب، بدون این که هیچ درگیری میان طرفین واقع شود، سپاه اسلام در بیستم ربیع الثانی به مدینه بازگشت.

صلح امام حسن مجتبی(ع) در سال 41 هجری قمری

امام حسن مجتبی(ع) در 21 رمضان سال 40 قمری، پس از شهادت پدر ارجمندش حضرت علی(ع) بنا به درخواست یاران امیرمؤمنان(ع) و سایر مردم، خلافت اسلامی را پذیرفت و ادامه سیره و روش حکومتی امیرمؤمنان(ع) و سیاست عدالت گستری وی را سر لوحه کار خویش قرار داد. "معاویه بن ابی سفیان" که در ایام خلافت امیرمؤمنان(ع)، از حکومت مرکزی سرپیچی و اقدام به ایجاد حکومت مستقل و خودخوانده در شام نمود و به برخی از مناطق اطراف، از جمله مصر، چنگ انداخته بود، از آغاز حکومت امام حسن(ع) اقدام به دشمنی و فتنه انگیزی نمود و با ارسال جاسوسان و نفوذ در میان بزرگان قبیله ها و طایفه ها و تطمیع آنان، زمینه نبرد دیگری را فراهم ساخت.

از سوی دیگر، نفاق و خیانت برخی از سران سپاه امام حسن(ع) و پیوستن آنان به سپاه معاویه و ناخرسندی مردم به ادامه جنگ و خون ریزی، دشمن را جسورتر کرده و وی را به تهاجم همه جانبه نظامی وادار نمود. امام حسن مجتبی(ع) که به سامان دهی حکومت و امور معیشتی مردم و برقراری قسط و عدل در جامعه اسلامی پرداخته بود، با دشمنی ها و تهاجم سراسری سپاه شام روبرو شد. آن حضرت نیز در مقام دفاع برخاست و در میان مردم اعلان بسیج عمومی نمود و رزمندگان کوفه و سایر شهرها را برای دفع تهاجم دشمن فراخواند. هنگامی که دو سپاه در برابر یکدیگر قرار گرفتند و درگیری های پراکنده ای میان آنان به وقوع پیوست، برخی از سران سپاه امام حسن مجتبی(ع)، از جمله "عبیدالله بن عباس" که فرماندهی کل را بر عهده داشت، به سپاه معاویه پیوست و از این راه، توان روحی و فیزیکی سپاه امام حسن(ع) را کاهش دادند. نفوذی های معاویه، در میان سپاهیان امام حسن(ع) و در میان عامه مردم شهرها، اقدام به شایعه پراکنی و گمانه زنی های خلاف واقع کردند و به تدریج جامعه اسلامی و رزمندگان را از داخل، دچار تردید و تزلزل نمودند. به طوری که برخی از سپاهیان، شبانه از اردوگاه ها و پادگان ها گریخته و صحنه نبرد را ترک می کردند و برخی از فریب خوردگان "خوارج" در شهرهای پشت جبهه اقدام به آشوب می کردند و حتی در "ساباط مداین"، به خیمه گاه امام حسن(ع) هجوم آورده و اقدام به غارت و بی نظمی نمودند و در يك رویداد، امام حسن مجتبی(ع) را ترور کرده و وی را به شدت زخمی نمودند. ریش سفیدان و صاحب نفوذان عراق و حجاز و برخی از فرماندهان سپاه امام حسن(ع)، مخفیانه نامه هایی به معاویه داده و اظهار اطاعت و پیروی می نمودند و حتی نوشتند که حاضرند امام حسن(ع) را تسلیم وی کرده و یا او را به قتل رسانند.

امام حسن مجتبی(ع) که از تمامی نفاق ها و خیانت های سپاه خویش خبردار بود، با گردآوری آنان و ایراد خطبه و روشن نمودن اذهان آنان از دسیسه های دشمن، تلاش وافر نمود که روحیه مردانگی و رزم آوری را در آنان، بار دیگر زنده کرده و توطئه های دشمن را نقش بر آب کند. ولی رسوخ شرم آور نفاق و خیانت، سپاه آن حضرت را از کارایی لازم انداخته و توازن نظامی را به کلی دگرگون کرده بود و سرانجام، امام حسن(ع) را وادار به پذیرش صلح ناخواسته کرد و آن حضرت، بناچار در 25 ربیع الاول و به قولی در نیمه جمادی الاولی سال 41 قمری بر اساس شرایطی، خلافت را به معاویه بن ابی سفیان وا گذاشت و خود از آن کناره گرفت. بدین سان، درگیری و جنگ میان سپاهیان شام و سپاهیان عراق پایان یافت و آن سال را "عام الجماعة" نامیدند. متن صلح نامه ای که به امضای طرفین و گواهان از دو سپاه رسید، از این قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم. هذا ما صالح عليه الحسن بن علي بن أبي طالب، معاوية بن أبي سفيان، صالحه علي أن يسلم اليه ولاية المسلمين، علي أن يعمل فيهم

بکتاب الله و ستّة رسول الله و سيرة الخلفاء الراشدين المهتدين، و ليس لمعاوية بن أبي سفيان ان يعهد الى أحد من بعده عهداً، بل يكون الأمر من بعده شوری بین المسلمین، علی أن التأس آمونون حیث كانوا من أرض الله تعالی فی شامهم و یمنهم و عراقهم و حجازهم، و علی أنّ اصحاب علی و شیعتهم آمونون علی أنفسهم و أموالهم و نسانهم و اولادهم حیث كانوا، و علی معاوية بن ابی سفيان بذلك عهد الله و میثاقه، و علی أن لا یبعی للحسن بن علی و لأخیه الحسین غائلة و لا لأحد من اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله غائلة سوء سراً أو جهراً، و لا یخیف احداً منهم فی افق من الآفاق.

گفتنی است که درباره بندهای صلح نامه، اتفاق چندانی میان مورخان و سیره نویسان نیست و برخی از آنان، موارد ذیل را نیز اضافه نمودند:

1. حسن بن علی(ع) و برادرش حسین(ع) ، هیچ گاه معاویه را امیرمؤمنان خطاب نکنند. این شرط به وضوح بیان می‌کند که صلح امام حسن(ع) ، نوعی سکوت در حال ناچاری و کناره‌گیری مصلحت‌آمیز از حکومت بود، نه این که معاویه بن ابی سفيان، سزاوار خلافت و حکومت بوده است.
2. معاویه و اصحابش، هیچ گاه علی(ع) را در نماز و غیر نماز سبّ و لعن نکرده و از او، جز به نیکی یاد نکنند.
3. پس از معاویه، ولایت مسلمانان با حسن بن علی(ع) باشد و اگر او زنده نباشد، با برادرش حسین بن علی(ع) خواهد بود.
4. بیت المال کوفه در اختیار امام حسن(ع) باشد.

5. خراج دو منطقه فارس، یعنی بسا(فسا) و دارابجرد در اختیار امام حسن(ع) باشد.

6. معاویه در هر سال مبلغ يك میلیون (و یا صد هزار) درهم به صورت مقرّری در اختیار امام حسن(ع) قرار دهد.

یادآوری این نکته ضروری است که مسائل مادی‌ای که از سوی امام حسن(ع) در صلح نامه مطرح شده است، به منظور تأمین معاش خانواده‌های بی‌سرپرستی بود که در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان ، کسان خود را از دست داده بودند.

امام حسن مجتبی(ع)، انسانی کامل و پیشوایی مهربان و عدالت گستر بود که برای از میان بردن اختلاف و تفرقه مسلمانان و جلوگیری از خون ریزی آنان و نجات شیعیان و یاران پدرش امیر مؤمنان(ع) از شرارت‌ها و کینه توزی‌های معاویه و عوامل مزدور وی، صلح با معاویه را پذیرفت و آن را با شرایطی سنگین بر معاویه تحکیم نمود. "ابن حجر عسقلانی" که از دانشمندان شافعی مذهب اهل سنت است، درباره شخصیت و حکومت امام حسن(ع) گفت: هو آخر خلفاء الراشدين بنصّ جدّه(ص)، ولی الخلافة بعد قتل ابیه بمبايعة اهل الكوفة، فاقام بها ستّة أشهر و أياماً، خليفة حقّ و امام عدل و صدق تحقیقاً؛ او، به نص و تصریح سخن جدش (حضرت محمد(ص))، آخرین خلیفه از خلفای راشدین است که پس از کشته شدن پدرش (امیرمؤمنان(ع)) عهده‌دار خلافت گردید و مردم کوفه با او بیعت نمودند. وی به مدت شش ماه و چند روز زمام خلافت را به دست گرفت، او به حقیقت، خلیفه‌ای حق و امامی عادل و راست گو بود.

به هر روی، پس از استیلای معاویه بر کوفه و سایر سرزمین‌های اسلامی، امام حسن(ع) علی رغم اصرار برخی از شیعیان و بزرگان کوفه مبنی بر باقی ماندن در این شهر، تصمیم به بازگشت به مدینه الرسول(ص) گرفت و به همراه خانواده خود و خاندان پدر ارجمندهش (که پس از جنگ جمل به کوفه مهاجرت کرده بودند) رهسپار مدینه شد و به وطن اصلی خویش روی آورد.

در این سفر، مردم کوفه بدرقه‌ای نیکو و اهالی مدینه، استقبال شایانی از آن حضرت و خاندان امیرمؤمنان(ع) به عمل آوردند.

امام حسن(ع) بنا به وظیفه انسانی و ایمانی خویش، تا آخر عمر شریفش به پیمان صلح پای بند ماند و از آن تخطی نکرد، ولی معاویه با ترفندهای گوناگون، بارها آن را نقض و خیانت باطنی خویش را بر همگان آشکار کرد.

درگذشت « ابوالعباس احمد بن سیرنج» فقیه شافعی در سال 436 هجری قمری

« ابوالعباس احمد بن سیرنج» فقیه شافعی و از علمای قرن سوم هجری در سال 436 هجری قمری درگذشت. وی ضمن تدریس فقه مدتی قضاوت شهر شیراز را به عهده داشت. از ابوالعباس تألیفات بسیاری ذکر کرده اند که تعداد آنها بالغ بر 400 مجله می باشد.

درگذشت شیخ احمد خطی قطیفی عالم، ادیب و شاعر در سال 1306 هجری قمری

شیخ احمد خطی قطیفی عالم، ادیب و شاعر بزرگ استان قطیف حجاز در سال 1306 هجری قمری در زادگاهش قطیف بدرود حیات گفت. او در میان مردم و حکام نفوذ و احترام بسیار داشت. اما دشمنانش موجبات تبعید او را فراهم آوردند و شیخ قطیفی از طریق بندر بوشهر به ایران آمد. از این شاعر ادیب اشعار نغزی در مناقب ائمه اطهار(ع) و دشمنان آل محمد(ص) باقی است که از آن میان اشعار هفتگانه علوی از شهرتی بسیار برخوردار است. شاعر در این اشعار خود ابتدا به واقعه بدر، احد و سپس احزاب اشاره کرده است.

هجوم مزدوران رژیم ستم شاهی به مدرسه فضیه قم در سال 1342 شمسی

مردم در ادامه مبارزه با رژیم شاه و پشتیبانی از مراجع روحانی و کسب تکلیف و در اعتراض به تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در مدرسه فضیه گرد آمدند. در این روز که مصادف با 25 شوال 1382 سالگرد شهادت حضرت امام صادق(ع) بود مزدوران شاه به مدرسه فضیه حمله بردند و تعداد زیادی از مردم را مجروح و مصدوم و شهید کردند و در انتها لباس و کتاب و وسایل طلاب را در وسط مدرسه جمع کردند و به آتش کشیدند.

عمده وقایعی که قبل از رخداد مدرسه فضیه موجب خشم مردم ایران به رهبری روحانیت متعهد علیه رژیم شاه شده بود به شرح زیر می باشد:

1 - تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در هیئت دولت رژیم پهلوی (16 / 7 / 1341) که ضمن آن دو موضوع بسیار حساس مورد توجه قرار گرفته بود:

(1) حذف سوگند قرآن و آوردن کتاب مقدس به جای آن.

(2) حذف قید اسلام از شرایط انتخاب شونده.

2 - بروز تظاهرات و اعتراضات شدید و یکپارچه علما و مردم شهرهای مختلف از جمله قم و تهران و در نتیجه عقب نشینی دولت وقت و لغو لایحه یاد شده در تاریخ 10 / 9 / 41.

3- اعلام رفراندوم تصویب ششگانه، در دی 1341.

4- تظاهرات مردمی در شهرهای قم و تهران علیه برگزاری رفراندوم کذابی.

5- حضور محمد رضا شاه در شهرستان قم تحت عنوان دادن اسناد مالکیت زمین به کشاورزان و انجام سخنرانی بسیار توهین آمیز به روحانیت در چهارم بهمن 1341.

6- برگزاری رفراندوم برای تصویب لوائح ششگانه در ششم بهمن آن سال و سرکوب مخالفان در جریان همه پرسی.

7- صدور اعلامیه ها و انجام سخنرانیها توسط روحانیون و تحریم برگزاری مراسم عید از سوی مراجع تقلید، بنا به پیشنهاد امام خمینی ره و برافراشته شدن پرچم سیاه بر سر در منازل در روز عید نوروز.

تشکیل جلسه علنی مجلس شورای ملی به منظور اعلام جمهوریت ساختگی رضاخان در سال 1303 هجری شمسی
جلسه علنی مجلس شورای ملی به منظور اعلام جمهوریت ساختگی رضاخان در سال 1303 هجری شمسی تشکیل شد. در پی آن جمعی از روحانیون، اصناف و مردم با اعلام تعطیل عمومی به سوی مجلس حرکت کردند. آنان با تجمع در میدان بهارستان بر ضد جمهوری رضا خانی شعار سر دادند. بتدریج برعهده تظاهر کنندگان افزوده می شد. و همین امر رضا خان را مشوش کرد از این رو نظامیان تحت امر او عده زیادی را کشتند و یا مجروح و مصدوم ساختند. در همین احوال آیت الله شیخ محمد خالصی زاده برای وعظ و سخنرانی بر ضد جمهوری همچون روزهای گذشته در مسجد سلطانی حضور یافت اما درب های مسجد را بسته دید، از این رو در مرکز بازار مشغول اقامه نماز شد، سپس به اتفاق جمعی از نماز گزاران بسوی مجلس شورای ملی حرکت کرد. گوینده عده نمازگزاران در آن روز بیش از هشت تا ده هزار نفر بود. در پی این حادثه مجلس شورای ملی بدون اخذ نتیجه تعطیل شد.

تشکیل جامعه عرب به پیشنهاد ملک فاروق شاه مصر در سال 1945 میلادی
به پیشنهاد ملک فاروق شاه مصر و با امضای پیمان میان دولتهای اردن، سوریه، عراق، عربستان سعودی، مصر و یمن، جامعه عرب در قاهره تشکیل شد. هدف از ایجاد این جامعه، حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشورهای عضو و برقراری همکاری نزدیک سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان اعضا بود. در سال 1979 میلادی مصر به سبب شرکت در پیمان کمپ دیوید از جامعه عرب خارج شد و مرکز این اتحادیه به کشور تونس منتقل شد.
درگذشت کلود مونه نقاش مشهور پدربسیک امپرسیونیسم در سال 1926 میلادی
کلود مونه نقاش مشهور پدربسیک امپرسیونیسم درگذشت. مونه زندگی سختی داشت و همیشه برای بهتر کردن هنرش فعالیت و کوشش می کرد. او در ابتدای کار شهرت چندانی برخوردار نبود اما با مجموعه نقاشی نیلوفرهای آبی شهرت جهانی دست یافت.